

## روای کارگردانی حجازی‌ر

هادی حجازی‌فر بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون گفت: روای همیشگی من در سینما کارگردانی است، این را صادقانه می‌گویم، من سال آینده قطعاً اولین فیلمم را خواهم ساخت، امسال يك فیلم کوتاه ساختم که تجربه بسیار خوبی بود. بازیگر فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» به میزان گفت: در بازیگری هر

نقشی که بتواند مرز خیال و واقعیت را کنار بزند برایم شگفت‌انگیز است، برخی می‌گویند لذت فیلم بعد از تماشای آن توسط بازیگر احساس می‌شود، من اعتقاد دارم باید در طول فیلمبرداری از زندگی و جهانی که برای نقش ساخته‌ای لذت ببری. حجازی‌فر بیان کرد: من رویایی در بازیگری ندارم به همین خاطر از بازی



## به مناسبت ۷۶ سالگی سعید پورصمیمی بازیگر دوست داشتنی سینمای ایران که نقش‌هایش پراز شیرینی است



علی رستگار

سینما

والتر برنان، از آن دوهای يك بود، پیرمردی دوست‌داشتنی که حتی جلوی ستاره‌هایی چون جان وین در ریویراوو، هامفری بوگارت و لورن پاکال در داشتن و نداشتن و گری کوپر در گروهبان یورک و انبوه نقش‌های اصلی پراوازه دیگر کم نمی‌آورد و طنزانه جلوه‌گری می‌کرد. اصلاً حضور خودش و زنهای برای هر فیلم بود و اگر از آن ویتترین جذاب و مبتنی بر زیبارویی نقش اول‌های مرد و زن عبور کرده و برای دوست داشتن فیلم به آنها پسنده نمی‌کردیم، والتر برنان را جایزه می‌گرفتیم. بازیگران دیگری چون پیتر یوستنیف، جیسون روباردز، جونیور، شلی وینتر، مایکل کین، جین هاکمن، تلمار ریترو و جو پشی و... هم همین حال خوب را به ما منتقل می‌کنند و گواه هزار باره‌ای بر این گزاره هستند که آنچه فارغ از کمیت و اندازه نقش اهمیت دارد، کیفیت کار بازیگر است و هر میزان از حضور به شرط تناسب با نقش و فضای قصه و هنرنمایی، قابلیت توجه و درخشش را دارد. وقتی صحبت از درجه يك بودن بازیگران نقش مکمل در سینمای ایران می‌شود، سعید پورصمیمی نخستین بازیگری است که به ذهن می‌آید؛ او در هر فیلمی که حضور داشته، با هنر مثال‌زدنی اش، جلوه‌گری و دلبری کرده و حتی بازی نقش‌های اصلی اثر را هم تحت الشعاع قرار داده است. به مناسبت زادروز بازی بازیگر ریشه دار و دوست‌داشتنی (پورصمیمی متولد ۹ اسفند ۱۳۲۲ است)، صفحه‌نقابلی را تدارک دیده‌ایم. گفت‌وگو با ابراهیم وحیدزاده، کارگردان پیشکسوت سینما که پورصمیمی در دو فیلم او به نام‌های تحفه‌ها و معادله بازی کرده و هر دو بار هم تحسین‌شده و یادداشت اختصاصی برزئیک‌نژاد، نویسنده و کارگردان که تازه‌ترین حضور پورصمیمی، مربوط به فیلم دوزیست ساخته اوست، مهم‌ترین بخش‌های این ویژه‌نامه تولدی هستند. عمر جناب پورصمیمی دراز باد.

**بسیار کم و به‌ندرت پیش آمده که سعید پورصمیمی، در سینما دو بار با يك کارگردان کار کند. وسواس و گزیده‌کاری‌ او در همه این سال‌ها شاید اصلی‌ترین دلیل این اتفاق نادر در کارنامه‌اش باشد. با این حال شما جزو آن یکی دونفر کارگردانی هستید که پورصمیمی در دو فیلم با شما همکاری کرد: تحفه‌ها و معادله که اتفاقاً به خاطر بازی‌های خوش در هر دو تحسین شد: برای‌اولی جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را در ششمین دوره جشنواره فیلم فجر را دریافت کرد و برای دومی هم نامزد دریافت این جایزه در بیست و دومین دوره شد. نکته دیگر این‌که شما فقط يك سال با پورصمیمی فاصله سنی دارید که خود می‌تواند از دلایل این رفاقت و همکاری دیرینه و دائمی باشد.**



زمانی که به تهران آمدم و دانشکده هنرهای دراماتیک می‌رفتم، نمایشی را در انجمن فرهنگی ایران و فرانسه دیدم به اسم «اکومیش سرخ یا شاخ‌های سبز». دوست ما آقای پورصمیمی در این کار بازی می‌کرد. من خیلی از آن نمایش و بازی آقای پورصمیمی خوشم آمد و با ایشان بیشتر آشنا شدم. این دوستی بعدها با همراهی دوستان دیگر دانشکده مثل رزق پطروسی و مریم معترف ادامه پیدا کرد. بعد به واحد نمایش تلویزیون رفتم و آنجا با آقای داوود رشیدی (مدیر وقت واحد نمایش تلویزیون) کار می‌کردیم. این همکاری‌ها، دوستی‌ما را هم تقویت کرد و وقتی بعد از انقلاب، می‌خواستم

اولین فیلم سینمایی‌ام، «تحفه‌ها» را بسازم، آقای پورصمیمی هم محبت کرد و آمد و بازی کرد. خوشبختانه برای هر دوی ما هم اتفاقات خوبی افتاد و کار موردتوجه قرار گرفت.

**پورصمیمی شیرینی‌ها و بازیگروشی‌های دلپذیری در بازیگری دارد. چقدر از نقش‌توسل در تحفه‌ها و علمبردار در معادله، محصول طنزهای خود اوست و چقدر شما به عنوان نویسنده و کارگردان در آن نقش داشتید؟**

هیچ وقت در هیچ کدام از کارها، بازیگرها را محدود نکردم. همیشه بازیگران در فیلم‌هایم قبل از فیلمبرداری، فیلمنامه را می‌خواندند و به شناختی از شخصیت‌ها می‌رسیدند. وقتی هم که فیلمبرداری شروع می‌شد، خودشان نقش‌ها را پیش می‌بردند و من فقط مواقعی که لازم می‌شد، بازپایشان را روتوش می‌کردم. آقای پورصمیمی و دیگر دوستان هم اگر ایده‌ای برای بهتر شدن سکانس به ذهنشان می‌رسید، مطرح می‌کردند و من هم گوش می‌کردم. اگر زیبا و متناسب با آن سکانس و کلیت قصه فیلم بود، خواهش می‌کردم آن پیشنهاد را عملی کنند. گاهی حتی در این مورد، بداهه‌گویی‌های خوب و مناسب در کار هم موردتوجه من قرار می‌گرفت.

**چرا این جنس کم‌دی‌های خوب و استاندارد و سالم و جذاب همچون تحفه‌ها و معادله، دیگر کمتر در سینمای ما ساخته می‌شود و کم‌دی‌ها سمت و سوی دیگری دارند و غالباً سطحی‌تر هستند؟**

دلایل مختلفی دارد؛ یکی این‌که مشخص شده که کم‌دی می‌فروشد، بنابراین اکثر سازندگان آثار سینمایی سراغ ساخت فیلم‌های کم‌دی رفته‌اند. اما

متأسفانه گاهی این کاره نیستند و صلاحیتش را چه به عنوان فیلمنامه‌نویس و چه به عنوان کارگردان ندارند. این وضعیت، باعث مشکلاتی در سینمای کم‌دی شده است. جدا از این، تماشاگران به دلیل این‌که در این سال‌ها به خاطر برخی کارهای تلویزیون و سینما به تماشای کارهای سهل و ساده عادت داده

شده‌اند، ترجیح می‌دهند سراغ دیدن فیلم‌هایی بروند که موقع تماشای آن از فکر کردن گریزان باشند و فقط بروند و بخندند. این هم به دلیل بی‌سوادی و ناآگاهی مردم نیست، بلکه ماجرا این است که فشارهای اقتصادی و اجتماعی آنقدر در این سال‌ها زیاد شده که مردم در سینما دنبال مفر می‌گردند که مشکلات را فراموش کنند. این دوستان سازنده فیلم‌ها هم باتوجه به این مطلب سعی می‌کنند در فیلم‌ها روی تابوها و جوک‌هایی که در جمع برای مراد نه گفته می‌شود، تمرکز کنند و به شکل خیلی سطحی و دم دستی، باعث خنده شوند. نکته دیگر این‌که در ابتدای انقلاب، يك دسته بندی برای فیلم‌ها وجود داشت و آثار را به سه گروه الف، ب و ج تقسیم می‌کردند.

**سعید پورصمیمی، بازیگر درجه يك نقش‌های مکمل است. چطور بازیگری با میزان حضور کمتر، می‌تواند حضور جذاب‌تر و مؤثرتری از ستاره‌های فیلم‌ها داشته باشد؟**

اساتید کار بازیگری، مطلبی را عنوان می‌کنند که ما نقش خوب و بد و کوتاه و بلند نداریم، بلکه بازیگر خوب و بد داریم. آدم‌هایی هستند که به دلیل سوپرستار بودن، سال‌ها رل اول بازی می‌کنند، اما بازیگر خوبی نیستند. ولی برخی بازیگران نقش‌های مکمل همیشه می‌درخشند، مثل آقای پورصمیمی. حضور در نقش‌های مکمل هم به خواست خود بازیگر برمی‌گردد که فکر می‌کند در این نقش‌ها توانایی حضور مؤثرتری دارد و هم به فیزیک و شیوه بازیگری آنها که با نقش‌های مکمل تناسب بیشتری دارد.

**در همه سال‌هایی که آموزشگاه بازیگری مکتب کم‌دی ایران را اداره می‌کنید، با هنرجویان زیادی سروکار داشته و دارید. احیاناً استعدادی مثل پورصمیمی را شناسایی کرده‌اید و ممکن است از این کلاس‌ها بازیگری در حد و اندازه او بیرون بیاید؟**

## رفاقت با سیمرغ

هنرمندان‌ه‌اش به نقش جامی در پرده آخر (اوروز کریم مسیحی) هم سومین سیمرغ را برایش به ارمان آورد. با بازی‌های خوش در سرزمین خورشید، زشت و زیبا، معادله و تڪ درخت‌ها هم نامزد دریافت این جایزه شد. به جز این بازی‌های تحسین‌شده در جشنواره، پورصمیمی بازی‌های خوب دیگر هم در کارنامه دارد. از آبادانی‌ها و عشق طاهر بگیرد تا عروس آتش و اینجا چراغی روشن است و... خوشبختانه این حضورهای جلوه‌گرانه همچنان ادامه دارد؛ تماشای نرگس مست که این روزها بر پرده سینماهاست، یکی از نقش‌آفرینی‌های سال‌های اخیر پورصمیمی است. همچنین از حالا منتظر ارکان دوزیست ساخته برزئیک‌نژاد در سال آینده هم باشید که پورصمیمی، با همان هنر و اقتدار همیشگی اش، کاری می‌کند کارستان و همچون همیشه دیدنی است.



شما را ارجاع می‌دهم به فیلم کمال الملك (علی حاتمی) و آن صحنه‌ای که مدیر مدرسه هنر به ناصرالدین شاه، وعده تربیت نهال برومند دیگری همچون کمال الملك جوان را در سال آینده می‌دهد. ناصرالدین شاه هم به او می‌گوید: «امیدوار نباشید. مدرسه هنر، مزرعه بلال نیست آقا که هر سال محصول بهتری داشته باشد. در کواکب آسمان هم یکی می‌شود ستاره رخشان، الباقی سوسومی‌زنند.»

**در فیلم معادله، آقای پورصمیمی با مهره‌هایی در دهان بازی می‌کرد، درست است؟ آدم بیاد گریم مارلون براندو در پیدر خوانده می‌افتد.**

بله، علیم‌راد در فیلم، آدمی زنبار، خوشگذران و خوش خوراک است و این باید در چهره و فیزیک آقای آدم هم برجسته می‌شد. آن موقع لپ‌های آقای پورصمیمی، تورفته بود و با تصویری که من از این شخصیت داشتم، مغایرت داشت. برای همین با هم راه افتادیم و رفتم سراغ آقای دندانسازی که خیلی به آقای پورصمیمی ارادت داشت. آنجا دو پروتز قابل حمل و برداشت برای این کار ساخته شد و هر وقت آقای پورصمیمی می‌خواست جلوی دوربین برود، اینها را در دهان می‌گذاشت و بازی می‌کرد.

**صحنه جالبی هم از فیلم تحفه‌ها یادم آمد که پورصمیمی «یا فتم» گویان از حوض خارج می‌شود. احیاناً خواستید به آن یا فتم یا فتم/رشمیدس/رجاع بدهید؟**

بله، دقیقاً. يك جور بازی با ماجرای ارشمیدس بود و چون تماشاگر ذهنیتی از این اتفاق داشت، دیدن این صحنه به شکلی دیگر در فیلم برایش ایجاد کم‌دی و خنده می‌کرد.

**پورصمیمی عادت داشت حتی در دوران دوبله فیلم‌های فارسی هم خودش به جای خودش حرف بزند و حاضر نمی‌شد دوبلوری جایش حرف بزند. در تحفه‌ها هم همین‌طور بود. چرا؟**

چون احساس می‌کرد، گوینده باوجود ادای درست کلمات نمی‌تواند حس و حال پشت واژه‌ها را مثل خود بازیگر آن نقش بیان کند. البته بعضی از هنرپیشه‌ها چون نمی‌توانستند سینک و هماهنگ به جای خودشان صحبت کنند، گوینده‌ها این کار را انجام می‌دادند.

**شما نمی‌دانید چرا سعید پورصمیمی سال‌هاست مصاحبه نمی‌کند؟ ایشان معمولاً از مصاحبه کردن گریزان است. دل‌لیش را نمی‌دانم، شاید در سال‌های اول تجربه‌ای داشت که به دلش ننشست و در ادامه ترجیح داد مصاحبه نکند.**

**از برخی دوستان رسانه‌ای و سینمایی شنیده‌ام که پورصمیمی آدم تلخی است/همین‌طور است واقعاً؟**

(می‌خندد) قضیه از بیرون این‌طور است و ایشان تا زمانی که در جمعی ناشناخته حضور دارد، آدمی بسیار جدی به نظر می‌آید. اما وقتی همراه دوستان گاه گداری برای صرف شام جمع می‌شویم، کلی برایمان فضا سازی میکم می‌کند و همه از خنده روده‌بر می‌شویم.

**در پایان اگر جمله و نکته‌ای دارید، بفرمایید.**

آرزو دارم اگر در آینده بتوانم فیلمی بسازم، حتماً بار دیگر با سعید پورصمیمی همکاری داشته باشم و آن شادمانی و لذتی که از حضورش می‌برم را باز هم به دست بیاورم.



در هر نقشی نمی‌ترسم، در هر اثری بازی می‌کنم، من شبیه يك بیمارم که از وی قطع امید شده هستم، در بازیگری رویایی ندارم، اما معتقدم این حرفه همچون شاه کلید همه قفل‌ها را باز می‌کند، خود من هم از تجربه‌های بازی خود بسیار آموخته‌ام.

### نگاه

### يك بازیگر باغیرت



### برزئیک‌نژاد/نویسنده و کارگردان

همانقدر که از هنرنمایی هنرمندان بزرگ میشود لذت برد، همکاری با آنها لذتبخش و زیباست ولی صادقانه در مورد اغلب این هنرمندان باید عرض کنم، بهره بردن از هنرشان کار راحتی نیست، چون خاص هستند و همین خاص بودن زاینده نگاه خاص و ناپشان است و قطعاً جلب رضایتشان کار سختی است چون پیچش مو را هم می‌پینند.

شدیدا برای پیشکسوتان ارزش قائلم، مخصوصاً کسانی که هنرنمایی‌شان در دوران نوجوانیم، مرا نسبت به سینما، عاشق و عاشق‌تر کرده است.

او دقیقاً یکی از آنهاست، جدی است و بی‌تعارف، البته بزرگواری‌اش باعث می‌شود خواشش به دل کوچک‌ترها باشد، اگر بگویم حدود ۷۰ درصد از فیلم‌هایی که ساخته می‌شود نام بزرگوارش را در فهرست کاندیداهای فیلم‌می‌نویسند افرارک نکردم، چون ثابت کرده توانایی اجرای هر نوع نقشی را دارد، نقش‌های به شدت متفاوت، فقط باید نقش و قصه را برایش باورپذیر کنید، اگر خودش باور کرد، باتوجه به تجربه و هنر و توانمندی‌اش بی‌تردید کاری می‌کند که تماشاچی باورش کند و با او همراه گردد.

با افتخار، دارم در مورد (سعید پورصمیمی) عرض می‌کنم، بازیگری که حضورش اعتباری است برای يك طرح سینمایی.

چون اهل دروغ نیستم، باید عرض کنم، گاهی کار کردن با استاد (سعید پورصمیمی) سخت می‌شود و شاید از کوره در بروی، من هم یکبار از همین کوره در رفتم ولی اعتراف می‌کنم حق با او بود و هست، او برایش همه چیز جدی است، از لحظه ورودش به لوکیشن.

این همه غیرت داشتن به کار و مسؤولیتی که بر عهده دارد، شاید در نسل ما کمتر یافت شود و به نظر حق با اوست، سینمایی که پورصمیمی دوست دارد در آن حضور داشته باشد، سینمایی قانونمند است، قانونی که همه حواس اکتور باید به کاراکتر، فضا و آنچه بر شخصیت گذاشته و می‌گذره معطوف شود، فارغ از همه مسائل و سختی‌ها و مشکلاتی که هست و گاهی پیش می‌آید.

کنار پورصمیمی می‌شود کار کرد و آموخت، نه فقط هنر و هنرمندی را، نه فقط تجربه‌های منحصر به فرد را، می‌شود انسانیت آموخت، و می‌شود فهمید هنر سینما غیرت می‌خواهد در کنار صبوری، سخت‌کوشی می‌خواهد در کنار لطافت و تولدت مبارک استاد پورصمیمی و ممنون که به بنده افتخار دادید و در فیلم (دوزیست) کنارم بودید، کنارمان بودید و درخشیدید، ببخشید ولی گویی، قرار نبود فیلم در جشنواره... و الا مردم دیدند و درخشش شما و جمع بازیگران فیلم (دوزیست) بر هیچ‌کسی پوشیده نیست. باز هم ببخشید اگر جوانی و بی‌تجربگی کردم و لحظه‌ای ناراحت شدم. ۱۲۷ سال زنده باشید جناب پورصمیمی عزیز و بدرخشید و بزرگی کنید و مانیز چون همیشه لذت ببریم.